



# قبضی رستوران سارقان را لو داد



## گروه حوادث / جا ماندن قبض رستوران

در خانه مالیخته سرخ دستگیری باند سارقان خانه‌های پایتخت را به پلیس داد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، به دنبال گزارش سرقت‌های سریالی از خانه‌های شمال پایتخت تحقیقات از سوی کارآگاهان پلیس آغاز شد و در بازبینی دوربین‌های مداربسته محل سرقت‌ها مشخص شد. پنج مرد نقاب‌دار عاملان این سرقت‌ها هستند. آنها پلاک خودروی‌شان را نیز مخدوش کرده بودند و به همین دلیل هیچ ردی

در دست نبود.

در ادامه بررسی‌ها مرد طلافروشی با پلیس تماس گرفت و از سرقت میلیاری خانه‌اش خبر داد: «طلافروش هستم و ۵ کیلو طلای دست‌ساز در خانه داشتم. سارقان با ورود از طریق بالکن طلاها را سرقت کرده‌اند.»

در ادامه بررسی‌ها و بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل خانه مرد طلافروش، مشخص شد سرقت ۵ کیلو طلا نیز توسط اعضای همان باند صورت گرفته است.

## پایان ۶ سال

### زندگی مخفیانه قاتل

#### گروه حوادث / پسر جوان که ۶ سال قبل بعد

از ارتکاب قتل از شهر خود فرار کرده و با هویت جعلی در شهر دیگری زندگی می‌کرد از سوی پلیس دستگیر شد.

سرهنگ علی گرمی رئیس پلیس آگاهی استان کرمانشاه در تشریح این خبر اظهار داشت: پس از وقوع قتل مرد ۵۰ ساله‌ای در مهرماه سال ۹۶ توسط جوانی ۳۵ ساله با ضربات متعدد چاقو، رسیدگی به موضوع و دستگیری قاتل در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت.

وی ادامه داد: در طی این سال‌ها، کارهای اطلاعاتی پلیس آگاهی کرمانشاه برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت و در نهایت کارآگاهان موفق شدند مخفیگاه این فرد را که با نام مستعار در یکی از استان‌های مرکزی کشور زندگی می‌کرد شناسایی کنند. با اعزام تیمی از پلیس آگاهی استان به شهرستان مریخی سکونت قاتل منواری، محل ترده وی شناسایی و در عملیاتی فافگیرکننده دستگیر شد. این فرد در بازجویی‌ها ضمن اعتراف به ارتکاب قتل، انگیزه‌اش را تیراندازی مقول به سمت پدرش و معلولیت وی عنوان کرد.

گرمی در پایان از تشکیل پرونده‌ای در این خصوص و معرفی قاتل به دستگاه قضایی برای سیر مراحل قانونی خبر داد.

حساب شخص پرداخت‌کننده و هویت او را بدست آوردند.

#### دستگیری متهمان

بدین ترتیب مردی که هزینه رستوران را پرداخت کرده بود شناسایی و در بررسی سوابق او مشخص شد چندی قبل وی به اتهام سرقت زندان بوده و به تازگی آزاد شده است.

از سویی در بازبینی دوربین رستوران، چهره او و دوستانش به دست آمد و در تحقیقات معلوم شد که آنها نیز سوابق کیفری دارند. پس از هماهنگی‌های قضایی با بازپرس شعبه هفتم دادسرای ویژه سرقت، کارآگاهان موفق شدند متهم را بازداشت کنند.

با دستگیری وی، ۹ عضو دیگر این باند نیز بازداشت شده و به سرقت‌های سریالی از خانه‌های شمال پایتخت اعتراف کردند.

#### گفت‌وگو با سرکرده باند

##### سابقه داری؟

بله وقتی از زندان آزاد شدم با همان هم‌بندی‌هایم تصمیم گرفتیم دوباره سرقت کنیم.

در خیابان‌های شمال شهر پرسه می‌زدیم و با دیدن خانه‌هایی که در طبقه اول بودند و بالکن داشته و چراغ صاحب خانه مدعی بود که قبض پرداخت رستوران متعلق به او و خانواده‌اش نیست.

با این احتمال که قبض متعلق به سارقان است به شناسایی رستوران پرداخته و کارآگاهان موفق شدند پس از بررسی تراکش‌های بانکی رستوران شماره

#### سرنخی از متهمان

مأموران در بازرسی از خانه مرد طلافروش به سرنخی از متهمان رسیدند. روی بالکن که محل ورود سارقان بود قبض رستوران به چشم می‌خورد که تاریخ آن مربوط به چند روز قبل بود.

صاحب خانه مدعی بود که قبض پرداخت رستوران متعلق به او و خانواده‌اش نیست. با این احتمال که قبض متعلق به سارقان است به شناسایی رستوران پرداخته و کارآگاهان موفق شدند پس از بررسی تراکش‌های بانکی رستوران شماره

است؛ یک شب پس از سرقت، زمانی که از دیوار یک خانه پایین پریدیم خودرویی که دو سرشنین داشت راهمان را سد کرد. آنها خودشان را مأمور پلیس معرفی کردند، چون ما را هنگام فرار دیده بودند ترسیدیم و آنها هم می‌خواستند ما را به کلانتری ببرند.

در نهایت توافق کردیم و سی سکه طلا گرفتند و قرار شد ما به آنها پول بدهیم و آنها در مقابل نقش بادیگارد ما را بازی کنند و در سرقت‌ها مراقب ما باشند که دستگیر نشویم.

#### پلیس قلابی بودند؟

بله، مأموران قلابی بودند. این را بعد از مدتی فهمیدیم. به ما گفتند چند شب قبل خانه‌شان را دزد زده بود و آن شب کشیک می‌دادند که سارقان خانه‌شان را پیدا کنند. اما وقتی ما را دیدند و ما پیشنهاد پول دادیم تصمیم گرفتند بادیگارد ما شوند و در مقابل سهم بگیرند.

#### ۱۰ نفر عضو باند هستند؟

بله ولی پنج نفرمان سارقان اصلی هستند. بقیه متخصص باز کردن گاوصندوق، دیگری متخصص باز کردن در بالکن، سومی متخصص پیدا کردن خانه‌هایی که مناسب سرقت بودند و من و یکی از همدستانم هم سرقت‌ها را مرتکب می‌شدیم.

پنج نفر دیگر نقش سایه‌ی لشکر و فراهم کردن خودروی سرقتی و فروش وسایل سرقتی و ...

#### با پول‌های دزدی چه می‌کردید؟

خرج تقریح، سفر، رستوران و خرید لباس ...

## قتل کودک زاهدانه

### در حمله مسلحانه

#### گروه حوادث / عامل اصلی تیراندازی و قتل کودک

۳ ساله زاهدانه در اقدام اطلاعاتی پلیس زاهدان دستگیر شد.

سردار دوستعلی جلیلیان فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفت: همزمان با اعلام وقوع یک فقره شرات و تیراندازی در سمت منزل مسکونی شهروند زاهدانه به مرکز فوریت‌های پلیسی، بلافاصله مأموران انتظامی شهرستان زاهدان به محل واقعه اعزام شدند.

پلیس در بررسی‌های میدانی خود دریافت چندی قبل در یک مراسم عروسی بین دو گروه درگیری رخ داده و شب حادثه چند نفر برای انتقامجویی به سمت منزل مسکونی شهروند زاهدانه تیراندازی کرده که در این حادثه فرزند ۳ ساله صاحبخانه مورد اصابت ساچمه‌های سلاح گرم قرار گرفت و در مسیر بیمارستان جان خود را از دست داد.

این مقام ارشد انتظامی سیستان و بلوچستان با اشاره به اهمیت و حساسیت موضوع، تصریح کرد: در همان لحظات اولیه وقوع جرم، پرونده‌ای تشکیل و تحقیقات تخصصی پلیس نیز در این خصوص آغاز شد. وی خاطر نشان کرد: پلیس شهرستان زاهدان با تشدید اشراف اطلاعاتی و میدانی خود در کمتر از ۸ ساعت موفق شد عامل اصلی این واقعه را شناسایی و در عملیاتی ضربتی و برنامه‌ریزی شده دستگیر کند که تحقیقات تکمیلی پلیس برای کشف سلاح به کار رفته در این جرم و دستگیری عاملان دیگر این پرونده نیز ادامه دارد.

## بازداشت عاملان آزار و اذیت کودکان معلول ذهنی در مشهد

#### گروه حوادث / همزمان با انتشار تصاویر آزار

و اذیت کودکان معلول ذهنی در یک مرکز نگهداری این کودکان در مشهد، رئیس کل دادگستری استان خراسان رضوی دستور پیگیری ویژه این پرونده را صادر کرد.

به گزارش میزان، به تازگی تصاویری از اذیت و آزار کودکان معلول ذهنی در یک مرکز نگهداری معلولان ذهنی در مشهد در فضای مجازی منتشر شده که واکنش‌های زیادی به همراه داشته است.

در پی انتشار این تصاویر، حجت‌الاسلام والمسلمین خلیلی، رئیس کل دادگستری استان خراسان رضوی طی دستوری از دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خواست تا با دقت موضوع را بررسی کند. محمد حسین دروئی، دادستان مرکز خراسان رضوی در همین زمینه گفت: دستورات لازم صادر و اقدامات ویژه قضایی در این زمینه آغاز شده و موضوع با جدیت دنبال و تحقیقات ادامه دارد.

نور عابدین زاده، سرپرست دادسرای ناحیه ۵ مشهد نیز از پیگیری ویژه این پرونده و بازداشت عوامل این ماجرا خبر داد و گفت: متعاقب انتشار فیلمی در فضای مجازی

#### نگاه کارشناسی / امیرحسین صفدری پژوهشگر حوزه علم حقوق و خانواده

در این پرونده چند عامل اصلی باعث ایجاد مشکلات بین این زوج جوان شده بود. نبود درک متقابل، مسئولیت پذیری، تعهد و استقلال مالی، ثبات شخصیتی، شناخت کافی، توجه به نیازهای متأسفانه مهبران با بی‌توجهی به موقعیت پگاه رفتارهای غیر اخلاقی از خودش نشان داده و سبب شده پگاه دچار بحران‌های عاطفی و روحی شود و پس از سقط جنین این بحران تشدید شده است. بازگشت او به زندگی مشترک را سخت کرده است. از سوی دیگر نداشتن شناخت کافی این زوج بخصوص مهبران از ماهیت زندگی مشترک باعث شده از نیازهای دیگر یکدیگر هیچ شناختی نداشته باشند و درگیر این بحران‌ها شوند.

بی‌شک این زوج جوان دچار طلاق عاطفی شده‌اند و برای رهایی از این بحران باید تغییر زیادی را شاهد باشند و نیازمند این است که مهبران خودش و رفتارهای گذشته‌اش را به‌طور کلی تغییر دهد و پگاه نیز صبر و گذشت بیشتری داشته باشد. مهبران اگر دوست ندارد که پدر پگاه به آنها کمک مالی کند می‌تواند با کلامی محترمانه این موضوع را بیان کند تا به توبه‌ی ناسزاگویی شخصیت خودش را زیر سؤال ببرد. زوج‌های جوان باید یاد بگیرند در زندگی مشترک با عشق و صمیمیت می‌توانند از حاشیه‌ها فاصله بگیرند و گرنه همیشه درگیر تنش و فشارهای روحی روانی هستند.

#### جویندگان عاطفه

#### دختری با پیراهن چهارخانه

##### در حرم حضرت معصومه (س)



تاریخ شناسنامه‌ام ۳۰ شهریور ۱۳۶۱ را نشان می‌دهد و همین روزها ۴۱ ساله می‌شوم.

هرچند که مطمئن نیستم این تاریخ دقیق تولدم باشد همانند اسمم که در شناسنامه «ظاهره» ثبت شده و بعد هم نسرین صدایم کردند البته اینها نام‌هایی است که یک زوج میانسال وقتی مرا به فرزندخواندگی گرفتند برایم انتخاب کردند اما من سال‌هاست که به دنبال هویت واقعی خود هستم.

ظاهره نامدار قشقایی، خودش را با این نام معرفی می‌کند و می‌گوید: فکر می‌کنم ۳ ساله بودم که مرا

در حرم حضرت معصومه (س) در شهر قم پیدا کردند. می‌گویند یک پیراهن چهارخانه زرشکی و سفید تم بوده که هنوز آن را نگه داشته‌ام و تنها نشانه‌اش دوران مهمم کودکی من است. چند روز بعد هم کلانتری با حکم دادگاه مرا به یک زوج میانسال سپرد که بچه‌دار نمی‌شدند و در آرزوی داشتن فرزند بودند.

از پدر و مادر واقعی‌ام هیچ خاطره‌ای در ذهنم نیست، تنها خاطراتم مربوط به مرگ جوانی است که مرا با یک اتوبوس بنز قدیمی بین شهری به مهد کودک می‌برد. نمی‌دانم در کدام شهر و کدام خیابان؛ فقط یادم است ساختمانی یک طبقه و بزرگ بود با حیاطی که از آنجا وارد ساختمانی می‌شدیم و البته بعضی خاطرات روزهای مهد، همین. مادرخوانده‌ام می‌گفت دادگاه خانواده مرا ۶ ماه موقت به آنها سپرد و بعد از ۶ ماه با صدور حکم دائم من به فرزندای این زوج درآمد و به تهران آمدم. ۱۳ ساله بودم که پدرخوانده‌ام فوت کرد چون سنش خیلی زیاد بود. مادرخوانده‌ام هم چند سال بعد سرطان گرفت و فوت کرد. وقتی پدرم فوت کرد اقوام نزدیک که فهمیده بودند من تنها وارث پدرم هستم سر ناسازگاری گذاشتند و همان موقع راز فرزندخواندگی‌ام را برملا کردند. می‌فکندم چرا یک بچه غریبه باید وارث امروال برادرمان باشد و من تازه فهمیدم که فرزند واقعی این خانواده نبوده‌ام.

ظاهره در ادامه می‌گوید: پدرم در جوانی خیلی ثروتمند بوده کارخانه داشته و کلی ملک و املاک اما وقتی فوت کرد فقط یک خانه ۱۰۰ متری در نازی‌آباد از او به ما رسید. وقتی مادرم هم فوت کرد من خانه را فروختم و به خاطر اینکه محل کار همسرم در کرج بود به آنجا رفتم و من خانه‌ای به نام خودم خریدم. الان هم با همسر و دو فرزندم زندگی می‌کنم اما سال‌هاست که به دنبال پدر و مادرم و از همه مهم‌تر هویت واقعی خودم هستم.

در این سال‌ها ده‌ها سؤال ذهنم را درگیر کرده است. می‌خواهم بدانم آیا من در کودکی گم شده‌ام یا اینکه مراد حرم رها کرده بودند؟ آیا خانواده‌ام در قم زندگی می‌کردند یا برای زیارت به آنجا رفته بودند؟ هرچند پدر و مادر خوانده‌ام خیلی به من محبت کردند و همسرم نیز با اینکه من فرزند آنها نبودم مشکلی ندارد اما خودم دل‌م می‌خواهد بدانم در کودکی چه اتفاقی افتاده و به دنبال خانواده واقعی‌ام هستم.

#### حوادث جهان

#### قتل هولناک پسر ۱۳ ساله در بازار نجف

مرد خشمگین در اقدامی جنون‌آمیز یک پسر نوجوان را در بازار نجف به قتل رساند.

این مرد ۴۰ ساله صبح دیروز پسر ۱۳ ساله‌ای را که در بازار نجف مشغول جابه‌جایی بار با گاری دستی‌اش بود با چاقو سربرید. علت این جنایت هولناک تنگ کردن مسیر عبور برای قاتل بوده است! قاتل پس از اینکه گاری پسر نوجوان مسیری را مسدود کرد به خرید چاقوی تیز در بازار اقدام کرده و سپس به سوی نوجوان آمد و با کوبیدن سر او به میز وی را در مقابل چشم بازاریان و مردم سربرید. پس از این اتفاق مردم و بازاریان او را دستگیر کرده و مانع فرار قاتل شدند و وی تحویل نیروهای امنیتی شد.

#### پیدا شدن دختر بچه جنگلی در هند



دختر بچه هندی که مدت‌ها با میمون‌ها در جنگل زندگی می‌کرد به دست پلیس نجات یافت. این دختر در حالی که کاملاً برهنه بود و همچون میمون‌ها چهار دست و پا می‌دوید و از سوء تغذیه شدید رنج می‌برد پیدا شد.

به گزارش بیزنس اینسایدر، پلیس هند این دختر بچه ۹ ساله را در جنگل پیدا کرد. او در کنار میمون‌ها پرورش یافته است. دخترک اکنون در بیمارستان به سر می‌برد و پرستار می‌گویند این دختر تمام مدت فقط روی تخت می‌نشیند یا دراز می‌کشد.

پلیس هند در حال بررسی گزارش‌های کودکان ناپدید شده است تا هویت دختری که در جنگل پیدا شده را مشخص کند. این دختر بچه قادر به صحبت کردن نبود و هیچ لباسی بر تن نداشت. موها و ناخن‌های او بسیار بلند شده بودند و بسیار گرسنه بود. به گفته پلیس چند هیزم شکن این دختر را در جنگل پیدا کردند و به نیروهای پلیس خبر دادند.

زمانی که پلیس تلاش کرد این دختر را نجات دهد میمون‌ها سعی در دفاع از وی داشتند و به نظر می‌رسید او در کنار میمون‌ها به راحتی زندگی می‌کند. تا زمانی که هویت این دختر مشخص شود در مکانی که مخصوص نوجوانان است پناه داده می‌شود.

#### مرگ ۲۴ مسافر اتوبوس در پرو



انحراف یک دستگاه اتوبوس از جاده‌ای کوهستانی در پرو و سقوط آن به داخل دره‌ای به عمق ۲۰۰ متر، دست کم ۲۴ نفر کشته شدند.

به گزارش شبکه الجزیره، رسانه‌های محلی همچنین اعلام کرده‌اند که این حادثه دست کم ۲۶ مصدوم داشته و بنا بر اعلام مقامات منطقه‌ای، ۱۱ مسافر به دلیل مصدومیت شدید در بیمارستان بستری شده‌اند. به گفته پلیس، حادثه حدود ساعت ۲ بامداد دوشنبه به وقت محلی رخ داده است. تحقیقات درباره علت حادثه و جزئیات آن آغاز شده است.

#### دادگاه خانواده

#### درخواست طلاق بعد از سقط جنین

هوای گرم و آفتاب سوزان تابستان سبب شده بود راهروهای دادگاه خانواده شلوغ‌تر از روزهای قبل باشد در طبقه سوم میان جمعیت حاضر در سالن رفتار عجیب زوج جوانی که پشت در یکی از شعبه‌ها با فاصله ایستاده بودند جلب توجه می‌کرد. به محض اینکه مرد جوان قدیمی به سوی زن برداشت او ناگهان فریاد زد: مه‌ران جلو نیا جلو نیا دیگه از من چی می‌خواهی؟ بچه‌ام را کشتی کافی نبود؟ می‌خواهی خودم بکشی؟ تو قاتل هستی.

در حالی که حرف‌های زن جوان کنجکاو حاضران را برانگیخته بود در همین موقع سربازی داخل شعبه بیرون آمد و با لحنی آمرانه گفت: چه خبره انقدر سروصدا می‌کنید؟ ساکت باشید آرام‌تر حرف بزنید اینجا دادگاه است پارک که نیست. بعد هم از زوج جوان خواست وارد شعبه شوند.

قاضی با دیدن زن جوان که گریه می‌کرد، گفت: دخترم چی شده، چرا دادخواست طلاق دادی؟ پگاه نگاه می‌به همسرش کرد و گفت: حاج آقا این برکه رو نگاه کنید خودتان متوجه می‌شوید چرا می‌خواهم جدا بشم.

قاضی در حالی که برکه کاغذ را از دست زن جوان می‌گرفت گفت خودت تعریف کن. جناب قاضی ما با هم نسبت فامیلی دوری داریم اما سال‌ها همدیگر را ندیده بودیم تا اینکه در یک مراسم عروسی با هم ملاقات کردیم و ارتباطمان آغاز شد. بعد از مدتی هم

مه‌ران از من خواستگاری کرد و تقریباً دو ماه بعد ازدواج کردیم. اوایل همه چی عالی بود اما رفته رفته بداخلاقی‌های مه‌ران شروع شد و چهره واقعی‌اش را نشان داد. بی‌ادبی‌هایش بیش از همه آزار می‌داد سر هر موضوعی به پدر و مادر و خانواده‌ام ناسزا می‌گفت کارهای غیر اخلاقی می‌کرد من حق نداشتم بی‌اجازه از خانه بیرون بروم اما خودش در هر کاری آزاد بود. دیگه خسته شده بودم دیگر تحمل نداشتم از همه بدتر اینکه من دلیل این رفتارهاش را نمی‌دانستم. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه یک روز وقتی دعوایمان شد من از شدت ناراحتی از هوش رفتم. وقتی چشم باز کردم در بیمارستان بودم. دکتر بعد از دیدن جواب آزمایشم گفت که باردارم اما یک بارداری پرخطر که باید استراحت مطلق باشم و به هیچ عنوان استرس نداشته باشم. با شنیدن این خبر خوشحال نشدم اما از تصمیم برای جدایی صرف‌نظر کردم. مه‌ران هم قول داد دست از رفتارهای عجیبش بردارد. اما فقط یکی دو هفته سر قولش ماند و خیلی زود دوباره به همان مه‌ران قبلی تبدیل شد. بزرگترین مشکل شوهرم دهن پینی اوست. کافیه مادر و خواهرش از من یک ایراد بگیرند. خواهر مه‌ران چند سال قبل از شوهرش طلاق گرفته چون متولد بوده و دست بزن داشته بعد از طلاق به یک آدم عصبی تبدیل شده و مدام در زندگی ما دخالت می‌کند.

مه‌ران که تا این لحظه ساکت بود به محض